

سخن چند پیرامون عملیات تروریستی اخیر

افسانه "خاشع"

حملات تروریستی اخیر، جنایت هولناکی بود که پی آمد های سیاسی و نظامی خطرناکی را در پی خواهد داشت. این واقعه زمینه های مساعد را برای حضور دوباره ملتاریزم و زورگویی کشور های غربی در رأس آنها ایالات متحده امریکا بوجود آورده است یا اگر ساده تر بگوئیم این اقدام هدیه ای به موقعی بود بدست راست گرایان افراطی، کسانیکه با قلدوری و زور میخواهند سلطه و منافع شان را در جهان گسترش دهند. پی آمد این زور گوئی ها، قربانی شدن انسان های بیشمار و ویرانی گسترده ای ناشی از اعمال زور و سیادت بی چون و چرای بورژوازی جهانی خواهد بود. به نظر میرسد که امریکا و ناتو قطعاً به یک اقدام تلافی جویانه و خشونت بار دست بزنند شاید هم نه برای سرکوب عاملان این عمل تروریستی، بلکه برای قدرت نمائی خودش در سطح جهان و هم چنین برای رضایت افکار عمومی در جامعه امریکا. در مورد چگونگی اقدام تلافی جویانه ای امریکا و متحدینش هنوز چیزی زیادی نمیدانیم ولی آنچه مسلم است آنها دست به کشتار و ویرانی خواهند زد و در این مورد نیز مانند جنگ خلیج و حمله به عراق توانستند کشور های جهان را در "نبرد تمدن" بر علیه "بربریت" در کنار خویش بسیج نمایند و وفاداری آنها را نسبت به سیاست ها و محاسبات امریکا، جلب کنند. این پیش پرده یک سناریوی است که در آن کشور های امپریالیستی در رأس امریکا به قدرت نمائی خواهند پرداخت. اما رسانه های گروهی غرب آنچه را که عامل و سبب اصلی اقدامات تروریستی است هیچ گاهی به بحث نگرفته و نمیگیرند، بنا بر ما کمونیستها و نیروهای آزادیخواه است که با بررسی همه جانبه تمام ابعاد فاجعه، به افشای همه جانبه مدعیان دروغین حقوق بشر بپردازیم تا یکبار دیگر قاتلین و مصیبتین سیه روزی، کشتار و غارت به حیث ناجی زحمتکشان و مردم ظاهر نشوند.

نقش و عملکرد امریکا بعنوان ژاندارم جهانی سرانجام منجر به ضربه پذیری خودش گردید. بعد از کودتای ثور در سال ۱۳۵۷ و بقدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق و بالاخره مداخله ارتش شوروی در افغانستان، کشورهای غربی و دولتهای مرتجع منطقه در رأس همه امپریالیسم امریکا دست به سازماندهی مالی و نظامی ایادی اسلامیت اش در افغانستان زد. سازمانهای جاسوسی امریکا، انگلس و پاکستان بصورت گسترده دست به بسیج تمام نیروهای ارتجاعی مذهبی زدند و خیل از اسلامیت های کشورهای عربی از سودان، مصر، عربستان و... به کار زار جنگ سرد سرازیر شدند، که "بن لادین" یکی از آنها است.

بیست و سه سال است که ما شاهد کشتار کودکان، زنان و مردان این سرزمین هستیم، ابعاد فاجعه جنگ در کنار قحطی، خشکسالی و بربریسیم حاکم توصیف ناپذیر است. در این بازی خطرناک و توحش کم نظیر منافع کشور های منطقه و امپریالیسم جهانی برای غارت منابع عظیم طبیعی از جمله نفت آسیای میانه متبازر است. افغانستان که از لحاظ موقعیت استراتژیکش از اهمیت بلا استثنائی برخوردار است، باید به نیستی کشیده شود و زحمتکشان و شهروندان قربانی شوند تا آرز و طعم سیری ناپذیر هیولای سرمایه، پاسخ بگیرد. در نتیجه بازی اکثر های منطقه ای و امپریالیسم جهانی در رأس همه امریکا، افغانستان به جهنمی که در آن حافظان حاکمیت الله چهار نعل میتازند و به هیچ کس و هیچ چیزی رحم نمیکنند، تبدیل شده است.

پروژه امریکا و دولتهای مزدور در منطقه (طالبان) که شش سال آزرگار است که میکشد و به آتش می کشد و به تصفیه قومی مشغول است، به زنان و کودکان بعنوان احشام برخورد میکند و شادی و نشاط را از مردم ربوده است و در یک کلام مدنیت و انسانیت را به نیستی کشیده است و وجدان کسی را نیاززد و طی این مدت «غرب متمدن» با خیل ژورنالیستهای مزدور در رسانه های گروهی جهان، چشمانشان را بسته بودند تو گوئی انسان متولد افغانستان، انسان به شمار نمیروند و ارزش انسانی اش در مقایسه با انسانهای متولد امریکا وغیره کمتر است. شاید پرسیده شود که مسئولیت این جنگ خونین، قحطی، گرسنگی و همه این فجایع و در نهایت امر توحش دار و دسته های حاکم اسلامی - قومی در افغانستان متوجه چه کسانی است. اگر آدم به اندازه یک جو وجدان داشته باشد و غرضی نداشته باشد، میتواند پاسخ ساده به این سوال ارائه کند. این سیاست های امپریالیسم امریکا، متحدین اش در غرب و ایادی مزدور در منطقه است که جامعه افغانستان و شهروندان را به قعر عصر تاریکی و جهالت قرون وسطا پرتاب نموده است و تمام نمود های یک جامعه انسانی را به شکل وحشتناکی به نیستی کشانده است. امپریالیسم امریکا بعنوان یکی از عاملین و مصیبتین اصلی بربریت حاکم در افغانستان، دست به تمویل، تسلیح و سازماندهی جنبش های ارتجاعی اسلامی زد. سی آی ای در همکاری با دستگاه های جهنمی دیگر نیروهای اسلامی شرق میانه، اخوان المسلمین مصر، لیگ جهانی اسلامی در عربستان را با همکاری نزدیک رئیس سازمان جاسوسی عربستان سعودی "پرینس ترکی الفیصل" بسیج و سازماندهی نموده و با گسیل این نیروها به تنور جنگ افغانستان، به این جنگ صیغه مذهبی داد و جانین اسلامی را "مبارزین آزادی" خواند.

طالبان که محصول پروژه مشترک پاکستان، عربستان سعودی و آمریکا است در سال ۱۹۹۴ وارد معرکه جنگ قدرت شد و با امکانات و منابعی که در اختیارش گذاشته شد بود بزودترین فرصت به یکی از نیرومندترین مدعیان حاکمیت در افغانستان تبدیل گردید. بعد از تسخیر کابل در سپتامبر ۱۹۹۶ و راه اندازی اپارتاید جنسی اسلامی، تقض تمامی موازین حقوق بشر و حتی قتل عام مردم در شمال (مزار شریف) و بامیان در سال ۱۹۹۸، امریکا و متحدینش در غرب تنها سکوت اختیار کردند بلکه به حمایت رژیم منفور طالبان نیز پرداختند. از همان بدو به وجود آمدن جنبش طالبان، امریکا جهت حفظ منافع استراتژیکش در منطقه حمایتش از این جنبش را دریغ نکرد.

"بن لادین" این "قهرمان" سی آی ای که نقش قابل ملاحظه در بسیج نیروهای اسلامیت در جنگ نیابتی امپریالیسم امریکا را بازی کرده و لقب "مبارز راه آزادی" را کمائی کرده بود یکشنبه به "دشمن مدنیت" معروف گشت. چه اتفاق افتاد که این دوست و متحد طبقات حاکمه امریکا، مطمئن ترین و معتمدترین فرد نزدیک به خانواده سلطنتی عربستان سعودی یک و یکبار جنایتکار و بزگترین تروریست دنیا از آب درآمد! ۲۳ فیبروری سال ۱۹۹۸ "جبهه بین المللی اسلامی" در جلسه در کمپی در حوالی شهر خوست افغانستان، علیه حضور نیروهای نظامی امریکا در عربستان اعلام جهاد کرد که بر مبنای فتوای صادر شده در آن جلسه، کشتن هر فردی از اتباع امریکا، وظیفه دینی هر مسلمان خوانده شده است. حملات تروریستی اخیر در امریکا، نمونه ای از اقدامات جنبش اسلامی به رهبری سازمان اسلامی "القاعده" است. امریکا و غرب به نوکران دست آموزشان، آنها به این شکل نفرت انگیز، حساب پس میدهند. ولی تاوان معاصی و جنایات بیشمار هر دو طرف ماجرا را چهکسان جز کارگران و زحمتکشان جهان و بویژه مردم بلا دیده افغانستان پس خواهد داد. باید جلو جریانات و سازمانهای مرتجع و جنایت پیشه ایستاد و با افشای نقش کثیف و ارتجاعی جریانات قومی و فاشیسم مذهبی که حرمتی برای جان انسانها قائل نیستند به مبارزه و افشای نظام سرمایه داری که خودعلل الوجود این بی حقوقی، فقر، ستم، تروریسم و خلاصه مصائب دیگری که به بشر امروزی تحمیل میشود است، پرداخت و نوید دنیای که جان و حرمت انسان در آن ارزش دارد را داد.